

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه شرح

استاد ضرابی اسفند ۱۳۹۹

انشریح جلسه سوم ۹۹/۱۲/۱۰

آیات شریفه: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴) - آیا برای تو سینه ات را نگشاده ایم (۱) و بار گرانت را از [دوش] تو برنداشتیم (۲) [باری] که [گوی] پشت تو را شکست (۳) و نامت را برای تو بلند گردانیدیم (۴)»

عنوان: ولایت، باطن و حقیقت رسالت

« أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ » بعد از اینکه راجع به برخی نکات تربیتی این آیه شریفه سخن گفتیم اکنون به جنبه دیگری از آن اشاره می‌کنیم و آن موضوع رابطه رسالت و ولایت است؛ تبلیغ رسالت و اجرای فرامین الهی برای پیامبر(ص) اسلام وقتی آسان می‌شود که در مکتب او افرادی پروریده شده باشند که محصولات و خروجی‌های این مکتب بشمار آیند؛ آنطور که همه مقاصد و اهداف آن مکتب را به طور عملی تحقق بخشد.

الگوهای عینی و روشن از آن مکتب شمرده شوند. در مثالی ساده اگر بخواهیم در مورد یک حرفه‌ای مانند نجاری مقصودمان را توضیح دهیم این طور می‌گوئیم: مثلاً یک نجار از وقتی محصولات خود را عرضه می‌کند و در برابر چشمان مردم قرار می‌دهد. مردم بسته به مطلوبیت آن محصولات، استقبال و عدم استقبال خود را نشان می‌دهند.

عالی ترین محصول که در مکتب پیامبر (ص) در معرض دید عالمیان قرار گرفت و براستی محصول آموزش تربیت، مراقبت و خلاصه عالی ترین هنر مکتب اسلام است وجود نازنین علی، فاطمه و فرزندان پاک و معصوم آنها(علیهم

السلام) ست. وقتی اولین محصول این مکتب علی (علیه السلام) کمالات و ارزش‌ها و جاذبه‌های خود را عرضه نمود. سنگینی بار رسالت از دوش پیامبر که عرضه حقیقت اسلام بود برداشته شد. و استقبال به سوی اسلام شدت گرفت. می‌توان گفت همه اسلام در وجود علی (علیه السلام) تمام قامت با همه ابعاد خود معرفی شد. این بود که دلها و فطرت‌های خفته را بیدار کرد.

از این رو در تفسیر آیه اول این سوره شریفه، ائمه معصومین (علیهم السلام)، « شرح صدر» را به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تفسیر نموده‌اند:

«عَنْ جَمِيلٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ قَالَ فَقَالَ بَوْلَايِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام). - جميل و حسن بن راشد از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی کلام خداوند عزوجل: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ نقل کرده‌اند که فرمود: «با ولایت امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام)». (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۹۵)

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در تفسیر آیه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» فرمودند: «أَلَمْ نُعَلِّمَكَ مَنْ وَصِيَّكَ فَجَعَلْنَاهُ نَاصِرَكَ يُذِلُّ عَدُوَّكَ - آیا تو را آگاه نکردیم که وصی تو کیست؟ پس او را یاری‌گر تو و خوارکننده‌ی دشمنت قرار دادیم.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۳۴)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ يَا مُحَمَّدُ (صلی الله علیه و آله) أَلَمْ نَجْعَلْ عَلِيًّا (علیه السلام) وَصِيَّكَ - أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ؛ ای محمد (صلی الله علیه و آله) آیا علی (علیه السلام) را وصی تو قرار ندادم؟» (بحار، ج ۳۶، ص ۱۳۴)

ما بنده مطلق خداییم فرزند یقین مصطفاییم ما مظهر نور مصطفاییم ما منبع سرّ مرتضاییم

عنوان: پیام عام و همه شمول « ألم نشرح »

« شرح در اصل به معنای گشودن و گسترش بخشیدن به دل و روح است که با گسترش دانش و معنویات صورت می‌پذیرد آثار آن هم در فضایل اخلاقی و

انسانی نظیر همت بلند، تحمل، مدارا، پایداری و شکیبایی ظاهر گردد، که به آن «شرح صدر» گفته می‌شود. در مقابل شرح صدر، ضیق صدر است؛ موسی (علیه السلام) می‌گوید: «رب انی اخاف ان یکذبون و یضیق صدري» سپس در دعا می‌گوید: «رب اشرح لی صدري» (شعراء: ۱۱ - ۱۲)

رابطه رسالت و ولایت در وجود مؤمنین همانند رابطه ایمان و عمل صالح است. «الکَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ - کلمه نیکو (ی توحید) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را رفعت می‌بخشد.» (فاطر/۱۰)

چنانچه باورها، عملی شوند، با کمک عمل صالح، صاحبش را تا مقام قرب الهی بالا می‌برند. به یک نظر، باورها و عقاید صحیح توحیدی به منزله «رسالت» و عمل صالح به منزله «ولایت» در وجود مؤمنین از جایگاه پیامبر و علی (علیهما السلام) خبر می‌دهد. مؤمنین باید در تقویت و حضور پر رنگ‌تر آنها در وجود خود هر چه بیشتر بکوشند تا با معرفت و تبعیت در وجود آنها ذوب شده، به حکم اتحاد محب و محبوب، برای همیشه با آنان باشند. طبق دهها روایت از فریقین آیه ولایت (انما ولیکم الله...) در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است. (طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۸، ج ۴، ص ۲۸۸؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، المكتبة العربية، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۱۱۶۲)

اهل سنت روایتی را از ابوذر نقل کرده‌اند که می‌گوید: «با رسول الله (ص)، نماز ظهر گزاردیم و سائلی در مسجد چیزی خواست و کسی به او کمک نکرد. در آن هنگام سائل دستش را به سوی آسمان دراز کرد و گفت: پروردگارا! تو گواه باش که من در مسجد پیامبر (ص) سؤال کردم و احدی به من چیزی نداد. علی (ع) در حال رکوع بود و با انگشت راستش که در آن انگشت بود، به سائل اشاره کرد. سائل به سوی علی (ع) آمد و انگشتش را در آورد. پیامبر (ص) (این حالت را) دیدند و مشغول دعا شدند: "اللَّهُمَّ إِنَّ أَخِي مُوسَى (علیه السلام) سَأَلَكَ فَقَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي «الی قوله «وَ اشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» (طه: ۲۵ - ۳۴) فَأَنْزَلْتَ عَلَيْهِ قُرْآنًا نَاطِقًا سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا...» اللَّهُمَّ {فَ} اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي عَلِيًّا (علیه السلام)

أَشَدُّ بِهِ ظَهْرِي... - خداوندا به من شرح صدر عطا کن و کارم را بر من آسان کن و از اهلم علی را وزیرم قرار بده و به واسطه او پشتم را محکم گردان.) " ابوذر می گوید: به خدا سوگند! هنوز دعای رسول خدا (ص) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد، بخوان: «انما وليكم الله و رسوله والذين امنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكوة و هم راعون». (فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۲۸)

مخزن گنج «كُنْتُ كَنْزاً» اوست محرم کبریا علی ولی

حضرت مصطفی رسول خدا خدمت مرتضی علی ولی

هر که در عشق او شود کشته دهدش خونبها علی ولی

کی گدا از درش رود محروم چون بود پادشاه علی ولی

هر کسی را امام و راهبر است رهبر جان ما علی ولی

نور چشم محققان جهان دیده بی خطا علی ولی

عنوان : هیچ پیامبری به اندازه من ادیت نشد

«وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ* الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»: فریقین روایت کرده اند که فشار بسیار زیادی بخاطر تبلیغ رسالت بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آورده می شد: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای حفص! هرکس صبر کند، قطعاً مدّت کوتاهی صبر خواهد کرد و هرکس بی تابی کند، او نیز مدّت کوتاهی بی تابی خواهد کرد. [بالاخره این عمر و این مدّت کوتاه سپری می شود]. پس حضرت فرمود: «بر تو باد که در تمام کارهایت صبر و بردباری داشته باشی که خداوند عزوجلّ محمد (صلی الله علیه و آله) را مبعوث کرد و به او دستور صبر و ملایمت داد ... حضرت هم صبر نمود، به طوری که مصائب بزرگی به حضرت وارد ساختند، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سینه اش به تنگ آمد. خداوند عزوجلّ این آیه را نازل کرد: وَ لَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّكَ يَصِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ.» (بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۸۲)

در شعب ابی طالب هنگامی که مشرکان مکه از هر راه و وسیله ای برای جلوگیری از پیامبر (ص) وارد شدند ولی نتیجه نگرفتند تصمیم گرفتند آن حضرت و بستگان او از بنی هاشم را در شعب ابوطالب که دره ای در پشت کوه ابوقبیس بود و خانه های بنی هاشم در آنجا قرار داشت محاصره شدید اقتصادی نمایند تا آنها از شدت گرسنگی و تشنگی بمیرند .

محاصره در آغاز محرم سال هفتم بعثت شروع شد و حدود دو یا سه سال ادامه یافت در این مدت بر بنی هاشم و زنان و کودکان آنها بسیار سخت گذشت گاهی مخفیانه بعضی به آنها غذا می رساندند . یکی از امور مهم در ماجرای محاصره این بود که ابوطالب پدر بزرگوار علی (ع) شب و روز در فکر نگرهبانی از پیامبر (ص) بود ، شب ها مکرر بستر او را عوض می کرد و غالباً فرزندش علی (ع) را در بستر او می خوابانید و او را در جای دیگر تا مبدا بستر آن حضرت شناخته گردد و مشرکان با مکر و نیرنگ به آن حضرت آسیب برسانند یا از بالای کوه ابوقبیس به سوی بستر او سنگ پرتاب کنند .

حضرت علی (ع) با کمال شهامت و خلوص در بستر پیامبر (ص) می خوابید و جان خود را فدای آن حضرت می کرد . پس از پیمان «عقبه» که آن حضرت با مردم یثرب هم پیمان شد و آنان آمادگی خود را برای پذیرش پیامبر و حمایت از او اعلام کردند، زمینه ی هجرت مسلمانان همراه با پیامبر گرامی به یثرب فراهم شد. این، در حالی بود که آن حضرت سیزده سال رنج را تحمل کرده بود، به گونه ای که خود فرمود: «ما اودی نبیُّ بمثل ما اودیثُ» (بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۵۶)

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب	مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند
هاتف آن روز به من مژده این دولت داد	که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند
این همه شهد و شکر کز سخنم می ریزد	اجر صبریست کز آن شاخ نباتم دادند

عنوان : وقتی یاد و نام رسول(ص) همه جا قرین نام و یاد خداست...

« وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ »: امام موسی کاظم (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام) از پدر ارجمند (علیه السلام) خود از امام سجّاد (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) نقل کرده که ایشان فرمود: « قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ بَيْنَمَا أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ (علیه السلام) يَتَذَكَّرُونَ فَضَلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) عَلَيْهِ وَ آله) إِذْ دَخَلَ عَلَيْنَا حَبْرٌ مِنْ أَحْبَارِ يَهُودِ أَهْلِ الشَّامِ... - پس از درگذشت رسول خدا (صلى الله عليه و آله) اصحاب در مسجد حضرت نشسته بودند و از فضایل پیامبر (صلى الله عليه و آله) یاد می کردند. ناگاه یکی از علمای یهود از اهالی شام بر ما وارد شد. او تورات و انجیل و زبور و صُحُف ابراهیم و پیامبران را خوانده بود و نشانه های آنان را می شناخت. بر ما سلام کرد و نشست. کمی درنگ کرد و سپس گفت: «ای امت محمد! شما هیچ مقامی از هیچ پیامبری را و هیچ فضیلتی از هیچ رسولی را وانگذاشته اید و همه را به پیامبر خود نسبت داده اید، اگر من از شما سؤال کنم پاسخی دارید؟» امیرمومنان (علیه السلام) به او فرمود: «ای برادر یهودی! هرچه دوست داری بپرس، من به یاری و منت خداوند متعال از هر چیزی بپرسی پاسخت را می دهم ... وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ؛ این چنین هرکس به کلام اخلاص ندا برآورد و گواهی دهد که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، به همراهش ندا بر می آورد که محمد (صلى الله عليه و آله) فرستاده‌ی خداست، چه در اذان و اقامه و نماز و چه در اعیاد و نمازهای جمعه و مراسم حج و نیز در همه‌ی خطبه‌ها حتّی در خطبه‌های نکاح و در دعاها» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۴۳)

در انتها می‌گوئیم پیام عام و همه شمول این آیه شریفه هم این است که وقتی همّت رسول خدا (ص) آن بود که برای همیشه قرین و همنشین خدا باشد و همّت اهل بیتش (علیهم السلام) آن بود که برای همیشه با رسول خدا (ص) باشند؛ همّت مؤمنین نباید در زندگی باقی و همیشگی سرای آخرت، کمتر از همجواری پیامبر و اهل بیتش (علیهم السلام) باشد. پس باید همّت را بلند گرفت و با تحمل رنجها و سختی‌ها به عشق همجواری رسول خدا و اهل بیتش (علیهم السلام)، جانفشانی و فداکاری نمود.

آن که عالم تن است او جان است
گر تو را صد هزار یاران است
خدمت ما به قدر امکان است
نزد مؤمن کمال ایمان است

سید اولیا علیّ والی
بی ولای علیّ ولیّ نشوی
واجب است انقیاد او بر ما
دوستی رسول و آل رسول